

# آیه ولایت



عبدالکریم پاک، نیا

روزی در کنار چاه زمزم نشسته بودم و برای مردم از پیامبر ﷺ حدیث نقل می‌کردم. در آن حال، ابوذر غفاری به نزد ما آمد و با صدای رسایی گفت: ای مردم! من از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «عَلَيْهِ قَائِدُ الْبِرَّةِ وَقَائِلُ الْكُفْرَةِ مَنْ نُصِرَ مِنْ نَصْرِهِ مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ؛ علی ﷺ رهبر نیکوکاران است و کشنده کافران. هر کس او را یاری کند، یاری خواهد شد و هر کس به او اهانت کند، خوار خواهد گشت.»

آن‌گاه ابوذر سخنانش را چنین ادامه داد: ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا ﷺ در مسجد نماز ظهر را

بروای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را روز ۲۴ ذی الحجه یکی از زیباترین خاطرات را در فرهنگ شیعه به یاد می‌آورد؛ روزی که امیر مؤمنان علی ﷺ با ایثار انگشتر خویش در حال نماز به یک نیازمند، گوی سبقت را از مسلمانان حاضر در مسجد ربود و شایسته تجلیل و تقدیر حضرت حق قرار گرفت و به دریافت مدال آیه ولایت از سوی پیک وحی مفتخر گردید.

عبدالله بن عباس ماجرا را این‌گونه روایت کرده است:

آن گاه پیامبر ﷺ فرمود: خداوند! من نیز محمد پیامبر و برگزیده تو هستم. خدایا! از تو درخواست می‌کنم که سینه‌ام را گشاده گردانی و کارهایم را آسان کنی و از میان خانواده‌ام، علی را به عنوان وزیر و پشتیبان من قرار دهی! ابوذر در ادامه گفت: هنوز دعای پیامبر ﷺ تمام نشده بود که حضرت جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد! بخوان! پیامبر ﷺ پرسید: چه بخوانم؟ گفت بخوان: «أَلْنَا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۱</sup> «همانا رهبر و سرپرست شما خداست و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنان که نماز اقامه می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.»<sup>۲</sup>

این روایت را گذشته از منابع شیعه بسیاری از اهل تسنن نیز نقل کرده‌اند و آیه شریفه را درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌دانند. علامه فرزانه مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین در کتاب ارزشمند المراجعات

خواندم. بعد از نماز، نیازمندی بلند شد و از مردم یاری خواست، کسی به او چیزی نداد. او دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و عرضه داشت: خدایا! تو خود گواه باش در مسجد رسول الله ﷺ از مسلمانان یاری خواستم، اما کسی به من پاسخ مثبت نداد. در این موقع، علی علیه السلام در گوشه‌ای از مسجد در حال رکوع نماز بود که با انگشت کوچک دست خود که انگشتی در آن بود به سائل اشاره کرد و سائل نزدیک آمد و انگشت را از دست آن حضرت بیرون آورد. رسول خدا ﷺ که در حال نماز شاهد این ماجرا بود، وقتی نمازش را تمام کرد، رو به سوی آسمان نمود و عرضه داشت: خداوند! برادرم موسی از تو درخواست نمود که:

پروردگارا! به من سعه صدر عنایت کن و کارهایم را سهل و آسان نما و گره از زبانم بگشا و سخنانم را روان و راحت گردان! و همچنین موسی علیه السلام تقاضا کرد که: خدایا! برادرم هارون را وزیر و یاور من قرار بده! و به وسیله برادرم مرا نیرومند گردان و او را در کارهایم

شریک فرما!

۱. مانده ۵۵.

۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۰.

می نویسد: صاحب کنزالعمال نزول این آیه در مورد خاتم بخشی علی علیه السلام را به اتفاق مفسران نسبت می دهد و بر این باور است که در این زمینه کسی به غیر از علی علیه السلام مورد نزول این آیه نیست. علامه سید شرف الدین ادامه می دهد که این اجماع تفسیری را به غیر از صاحب کنزالعمال، عده ای دیگر از دانشمندان اهل سنت نقل کرده اند که از جمله آنها امام قوشجی در بحث امامت شرح تجرید است.

سید شرف الدین در توضیح سخن می گوید: اگر این حقیقت (نزول آیه ولایت در شأن علی علیه السلام) یک مسئله بدیهی و روشن نبود، ما به نقل تمام اقوال و آراء در این زمینه اقدام می کردیم؛ اما به لطف الهی در این سخن شک و تردیدی نیست و خوشبختانه تمام دانشمندان مسلمان به آن اعتراف دارند.<sup>۱</sup>

برای تکمیل و روشن شدن بیشتر اذهان، ما فقط به نقل یک روایت از طریق اهل تسنن اکتفا می کنیم:

حاکم حسکانی از اساتید علم حدیث و از دانشمندان برجسته حنفی

مذهب در قرن پنجم در کتاب «شواهد التنزیل»، با نقل روایتی از عبدالله بن عباس، ماجرای خاتم بخشی علی علیه السلام را این گونه گزارش کرده است: آن روز بلال برای نماز اذان گفت. با شنیدن صدای اذان، رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل بیرون آمد. مردم در مسجد مشغول نماز بودند؛ بعضی ایستاده، برخی در حال رکوع، و عده ای دیگر در حال سجده بودند. در این هنگام، فقیر بی چاره ای در مسجد می گردید و از مردم درخواست کمک می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه او را صدا کرد و با او چنین گفتگو نمود:

- آیا کسی چیزی به تو داده است؟

- بلی!

- چه چیزی به تو داده اند؟

- یک انگشتر نقره ای.

- چه کسی آن را به تو داد؟

- آن مردی که ایستاده و نماز

می خواند.

پیامبر هنگامی که با اشاره سائل به فرد مورد نظر نگاه کرد، متوجه شد که

۱. المراجعات، ص ۲۳۱.

سروده و قصیده‌ها گفته‌اند. حسان بن ثابت قصیده معروف خود را این گونه سرود و به محضر علی علیه السلام تقدیم داشت:

أَبَا حَسَنِ تَقْدِيكَ نَفْسِي وَمُنْهَجَتِي  
وَكُلَّ طَبِيبِي وَفِي الْهَدْيِ وَمُسَارِعِ  
«ای اباالحسن! جانم و قلبم فدای تو باد! و جان و دل هر کس که در راه هدایت تند یا کند گام بر می‌دارد، فدایت باد»

أَيُّهُبُ مَدْحِي وَالْمُحِبِّينَ ضَائِعًا  
وَمَا الْمَدْحُ فِي ذَاتِ الْإِلَهِ بِضَائِعِ  
«آیا مدح من و دوستانت تباہ خواهد شد؟ نه، هرگز مدحی که در راه خدا انجام شود، تباہ و ضایع نمی‌گردد.»

فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ أَنْتَ رَاكِعٌ  
فَدَنْتَ نَفْسَ الْقَوْمِ يَا خَيْرَ رَاكِعِ  
«تویی آن کس که در هنگام رکوع بخشیدی! جان همه مسلمانان به فدایت ای بهترین رکوع کننده!»

بِحَاتِمِكَ الْيَمِينِ يَا خَيْرَ سَيِّدِ  
وَيَا خَيْرَ شَارِعٍ يَا خَيْرَ بَائِعِ

او علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد. دوباره پرسید:  
- او در چه حالی انگشتر را به تو بخشید؟

- او در حال رکوع آن را به من داد. در این هنگام، پیامبر این آیه شریفه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۱</sup>

علامه شیخ عبدالحسین امینی شصت و شش نفر از دانشمندان اهل حدیث و استوانه‌های روایی اهل سنت را با نام و نشانی دقیق کتابهایشان فهرست کرده و متن حدیثی را که حاوی انطباق آیه مذکور با شخص علی علیه السلام است از انس بن مالک نقل می‌کند و در آخر می‌افزاید: «مضمون این حدیث در این کتابها موجود است و همه آنها تصریح دارند که این آیه در مورد خاتم بخشی حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در مسجد نبوی نازل گردیده است.»<sup>۲</sup>

این مسئله آن قدر معروف و مشهور می‌باشد که بسیاری از شعرای فارس و عرب در مورد آن شعرها

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. الغدير، ج ۳، ص ۱۶۲.

خداوند [در روز غدیر] به پیامبر اکرم ﷺ امر کرد که ولایت را برای مردم تفسیر کند؛ همچنان که نماز و روزه و زکات و حج را برایشان توضیح داده است؛ اما رسول خدا ﷺ مدتها صبر کرد؛ زیرا آن حضرت همانند سایر واجبات نمی توانست مسئله ولایت و جانشینی خویش را به مردم اعلان کند و می ترسید اگر مسئله رهبری و ریاست بر مسلمانان را مطرح نماید، مردم سخن او را نپذیرند و از دین برگردند. به همین جهت، دلتنگ شد و به حضرت پروردگار عرض حال نمود.

خداوند متعال به پیامبر وحی کرد که: «ای رسول ما! آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده، بر مردم ابلاغ کن و اگر این پیام را نرسانی، رسالت خود را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند.»<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ با نزول این آیه، باکمال اطمینان مسلمانان را گرد آورد و در روز غدیر خم به اعلان ولایت و رهبری علی ﷺ اقدام نمود و

«انگشتی مبارکت را [تو در راه خدا بخشیدی] ای بهترین آقا و ای بهترین خریدار و بهترین فروشنده.»

فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ خَيْرَ وَلِيَّةٍ

وَوَيْتَهَا فِي مُحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ<sup>۱</sup>

«خداوند متعال نیز در حق تو بهترین [آیه را که] آیه ولایت [است] فرستاد و در محکومات شرائع آن را بیان نمود.»

شعرای فارسی زبان نیز شعرها سروده و خطابه‌ها ایراد کرده‌اند که دو بیت را می آوریم:

ناصر خسرو:

آنچه علی داد در رکوع فزون بود

زان که به عمری بداد حاتم طائی

ابن یمین:

مرتضی را دان ولیّ اهل ایمان تا ابد

چون ز دیوان ابد دارد مثال «انما»

آخرین حکم الهی

امام باقر ﷺ در این زمینه می فرماید: «خدای متعال طبق آیه ولایت [انما ولیکم الله...] اطاعت از رهبری و سرپرستی اولوالامر را بر مردم واجب ساخت. مسلمانان متوجه نشدند که مقصود از ولایت چیست؟

۱. همان.

۲. مانده/۶۷.

تأکید کرد که حاضرین به غائبین اطلاع دهند.»

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمود: «واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و مسئله ولایت آخرین آنها بود که بعد از اعلان ولایت، آیه اکمال دین<sup>۱</sup> نازل گردید. و خداوند متعال فرمود: با این پیام دیگر واجبی را بر شما نازل نخواهم کرد؛ زیرا واجبات شریعت اسلام با مسئله ولایت کامل شد.»<sup>۲</sup>

#### پاسخ یک شبیه

گاهی می‌پرسند: از سویی مشهور است که علی علیه السلام در حال نماز آن چنان غرق در عبادت می‌شد که وقتی در یکی از جنگها به پایش تیر رفته بود و از شدت درد و ناراحتی جسمی، امکان جراحی و بیرون کشیدن آن نبود، گفتند: آن را در حال نماز از بدن مبارکش خارج کنید؛ چون او در حال عبادت آن چنان مشغول راز و نیاز با پروردگار خویش است که احساس درد نخواهد کرد.<sup>۳</sup> و از سویی امام در حال نماز انگشتر به سائل می‌دهد و این نشانگر توجه به اطراف و دیگران

است. آیا این دو حال، در نماز با هم سازگاری دارد یا نه؟

علاوه بر اینکه برخی از محققین در صحت حکایت اول تردید دارند، در پاسخ این پرسش جوابهای متعددی گفته شده که ما به چند مورد اشاره می‌کنیم:

**اول: مشتاقان حضرت حق و تشنگان کوثر معرفت در حالات عرفانی و مناجات با معشوق و معبود خویش، آن چنان از فیض حضور و لقای یار و مشاهده تجلیات دلدار سرمست می‌شوند که تمام دردها و رنجهای خویشان را به عنوان لذت بخش‌ترین جرعه‌های حیات بخش معنوی سر می‌کشند. آنان همواره زمزمه می‌کنند که:**

مشنوی دوست که غیر از تو مرا یاری هست  
یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست  
آنان در آن حال، نه اینکه دردها و رنجهای جسمی خویش را احساس

۱. مانده ۳/.

۲. اصول کافی، کتاب الحججه، باب مانص الله عزوجل و رسوله علی الائمه علیهم السلام.

۳. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۹۸.

نمی‌کنند و بی اختیار احساس خود را از دست می‌دهند، بلکه با اراده خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا نیست، برمی‌گردانند. به عبارت دیگر، لذت حضور و شوق وصال آن چنان آنان را به وجد و شغف می‌آورد که رنجها و دردهای شخصی تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد و در پرتو فضای معنوی درک حضور محو می‌شوند و از شوق اینکه رضایت حق را به دست آورده‌اند، تمام ناملايمات در منظر آنان زیبا و دوست داشتنی جلوه می‌کند و آوای «مَا زَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»<sup>۱</sup> سر می‌دهند؛ حتی آنان تحمل مصائب را اولین منزل عشق می‌دانند و بر این باورند که:

ترک مال و ترک جان و ترک سر

در طریق عشق اول منزل است

چنان که درباره بعضی از یاران

امام حسین علیه السلام در روایات آمده است که «لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ»<sup>۲</sup> آنان درد برخوردار نیزه‌ها و شمشیرهای آهنین را احساس نمی‌کردند. نه اینکه آنان تیرها و شمشیرها و نیزه‌ها را نمی‌دیدند یا توجه نداشتند، بلکه درد

و رنج آنها در مقابل شوق شهادت و کسب رضای پروردگار متعال هیچ بود. بنابراین، در حالی که یاران و مریدان آنان چنان هستند، پس خود ایشان چگونه خواهند بود. بی تردید مقام اولیاء الهی به مراتب بالاتر از اینهاست. اگر در یک زمان علی علیه السلام هنگام نماز متوجه درد پای خود نمی‌شود، عملی کاملاً درست و خداپسندانه می‌باشد؛ چرا که معنای مناجات عاشقانه و عبادت عارفانه همین است و اگر در زمانی دیگر، در هنگام نماز صدای سائل او را متوجه خود می‌سازد و او باز خودگذشتگی و ایثار مال در راه رضای خداوند، نیاز یک انسان بی چاره را برطرف می‌کند، باز هم عملی کاملاً منطقی و خداپسندانه می‌باشد. علی علیه السلام در هر دو مورد از خود گذشتگی و ایثار نموده است؛ آنجا از جان خویش و اینجا از

۱. لهورف، سید بن طاووس، ص ۲۹۲. این کلام حضرت زینب در مجلس ابن زیاد بود، هنگامی که ابن زیاد گفت: ای دختر علی! این همه مصیبتها را چگونه دیدی؟ زینب علیه السلام پاسخ داد: «من همه مصائب و مشکلات را در راه خدا زیبا می‌بینم».  
 ۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۰؛ مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۵۰۴؛ العوالم، الامام الحسين علیه السلام، ص ۳۴۴.

علی علیه السلام گر چه در حال نماز،  
غرق در عبادت الهی بود و با  
حضور قلب و توجه کامل با  
خداوند مناجات می نمود، اما  
قلب پاک او در برابر فریاد  
استمداد و استغاثه و آه و  
نالۀ مستمندان و بی چارگان  
جامعه حساس بود و قلب او  
در مقابل ندای محرومان و  
برای گره گشایی از کار آنان  
می تپید.

جهت رضای الهی قدم برداشته، ثواب  
عبادت خویش را مضاعف گردانید. و به  
همین علت هم بود که عمل زیبا و  
خداپسندانه او مورد ستایش و حیانی قرار  
گرفت؛ چرا که او عبادتی را مکمل عبادت  
دیگر قرار داد.<sup>۱</sup>

مال خویش. و در هر دو حال، مشغول  
عبادت مخلصانه بوده است و نتیجه هر دو  
عمل یکی است و آن کسب رضای  
پروردگار و خالق جهان هستی می باشد.

#### تکمیل عبادت

دوم: این ایراد را می توان ناشی از یک  
غفلت دانست و آن اینکه شنیدن صدای  
سائل و کمک به او، پرداختن به غیر خدا و  
توجه به خویشتن یا امور دنیوی نیست،  
بلکه آن هم در واقع، توجه به خدا و در  
جهت اخلاص می باشد. علی علیه السلام گر چه در  
حال نماز، غرق در عبادت الهی بود و با  
حضور قلب و توجه کامل با خداوند  
مناجات می نمود، اما قلب پاک او در برابر  
فریاد استمداد و استغاثه و آه و نالۀ  
مستمندان و بی چارگان جامعه حساس بود  
و قلب او در مقابل ندای محرومان و برای  
گره گشایی از کار آنان می تپید. توجه او به  
سائل نه تنها در جهت غیر حق نبود، بلکه  
دقیقاً در راستای اخلاص و توجه به مبدأ  
هستی و پروردگار خویش بود. او با پاسخ  
به کمک خواهی و ندای مظلومانه یک فقیر  
که آه و ناله اش از دردهای جانکاه وی خبر  
می داد، عبادت خویش را با اطاعت دیگری  
در آمیخته و با هر دو عمل خویش، در

۱. پرمسان ولایت، از نگارنده.